

جایگاه مفهوم فضای حیاتی در استراتژی ژئوپلیتیک عراق عصر صدام

مراد کاویانی‌راد*

تاریخ دریافت: ۸۸/۱۱/۱۵

تاریخ تأیید: ۸۸/۱۲/۱۸

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|
| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |

بر آورد قدرت ملی از سوی حاکمان و نخبگان سیاسی در شرایط کنونی و ترسیم وضعیت مطلوب در آینده، آنان را به تدوین استراتژی ژئوپلیتیک تشویق می‌کند. تدوین استراتژی‌ها در پیوند با دیگر قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و همچنین فرصت‌ها و محدودیت‌های قدرت‌کاه یا قدرت‌افزا قرار دارد. از این رو، نظام‌های سیاسی می‌کوشند از طریق تصرف یا نفوذ در سرزمین‌هایی که می‌توانند مکرر ژئوپلیتیک آنها باشد به رفع محدودیت‌های (سرزمینی و منابع) بپردازند. مفهوم لپنسروم (فضای حیاتی) یا فضای حیاتی ناظر بر چنین سیاست مداخله‌گرایانه‌ای است که در طی جنگ جهانی دوم توسط نازیسم در آلمان برای پیشروی در اروپای شرقی، اساس سیاست خارجی آن کشور قرار گرفت. این مقاله به تشریح همانندی‌های سیاست تهاجمی حزب بعث در زمان صدام به ایران می‌پردازد و بر این باور است که تنگنای ژئواستراتژیک عراق در عدم دسترسی آسان به آب‌های آزاد باعث شده حاکمان بغداد فضایی حیاتی خود را در حاکمیت انحصاری بر اروندرود و دسترسی به آب‌های آزاد از طریق خلیج فارس تعریف کنند.

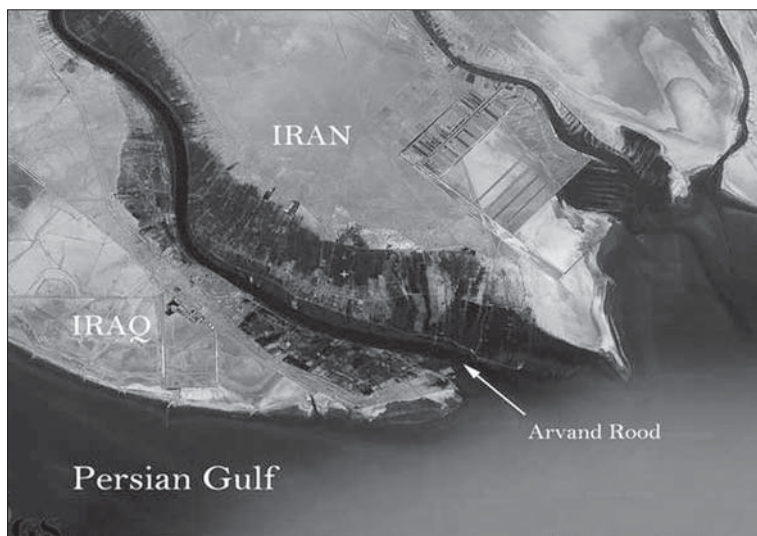
واژه‌های کلیدی: لپنسروم، عراق، حزب بعث، صدام، ایران، خلیج فارس و ژئوپلیتیک

آن را در میان اجتماعات انسانی و واحدهای سیاسی پدید آورده است. گرایشی که در قالب مفاهیم و گزاره‌های مختلف بارها نظریه‌پردازی شده است. رویکرد فضای حیاتی در سیاست خارجی دولت‌ها، بر تحصیل سرزمین و منابع موجود در آن برای خودکفایی و افزایش قدرت ملی مبتنی است. چنین رویکردی در پیدایش دوران استعمار و توسعه طلبی

مقدمه

در تعاریف مختلفی که تاکنون از قدرت ملی و مؤلفه‌های آن به عمل آمده تأکید بر عناصر عینی قدرت همانند وسعت، موقعیت، منابع، شمار جمعیت، دسترسی و ...، بخش اساسی آن مفاهیم و مصادیق را شامل شده است. خوشایندی احساس ناشی از قدرت، گرایش به ماندگار سازی و گسترش

* استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت معلم خوارزمی



قدرت ها نقش انکارناپذیری داشته است.

رویکرد یاد شده تحت عنوان لبنسروم^۱ (فضای حیاتی) به همراه گرایش های نژادگرایانه، در جهت دهی به سیاست خارجی نازیسم در آلمان و توسعه طلبی آن کشور نقش اساسی داشت. به نظر می رسد ویژگی های جغرافیای سیاسی عراق و مرام سیاسی عملگرایانه حزب بعث، باعث بروز رفتار تهاجمی در سیاست خارجی این کشور شده

نیاز دارند. بر این اساس، دولت ها پیوسته با هم در رقابت هستند.

راتزل با رویکرد زیست شناسی، برای نخستین بار به شکل نظام مند، داده ها و مسائل را در جغرافیای سیاسی کنار هم گذاشت. او معتقد بود دولت باید به عنوان پدیده ای مرتبط با زمین و جایی که جوامع در آن زندگی می کنند، پویایی دارند و هویت شان را از آن می گیرند، مورد واکاوی قرار گیرد. در طرح مفهوم دولت به مثابه موجود زنده، دیدگاه راتزل به شدت از داروینیسم اجتماعی^۲ و مفهوم لبنسروم متأثر بود. راتزل مفهوم زیستی توسعه را به صورت مفهوم کلیدی در جغرافیا، به ویژه جغرافیای سیاسی، وارد کرد که در آن مرز، مفهوم پویا و متغیری دارد. او با استفاده از استعارات و تشبیهات زیست شناسی، دولت را به مفهوم ارگانیک در تحلیل علوم سیاسی و جغرافیای به کار برد. در دیدگاه او دولت ها ماهیت ارگانیک و رشدیابنده ای دارند که در توسعه و گسترش آنها، مرزها کارکرد موقتی داشته اند. همچنان که انسان بر روی زمین زندگی می کند دولت هم به مانند اندامواره ای (ارگانیک) بر روی زمین با قوانین طبیعی پیوند پیدا می کند. بر این اساس، توسعه به محیط

است. در این نوشتار، نویسنده بر آن است با رهیافتی تاریخی و روش شناسی توصیفی - تحلیلی جایگاه نظریه لبنسروم در سیاست خارجی عراق عصر صدام که نتیجه آن تهاجم به ایران بود را بازشناسی کند.

ادبیات تحقیق

۱) لبنسروم یا فضای حیاتی

لبنسروم، واژه ای آلمانی به معنای فضای حیاتی و فضایی برای زندگی است.^(۱) فضایی که توسط ملتی که جمعیت آن رو به فزونی است اشغال می شود.^(۲) این واژه در اندیشه فردریچ راتزل^۳ (۱۹۰۱)، بنیانگذار جغرافیای سیاسی در آلمان، و نظریه پرداز دولت به مانند موجود زنده (جانور) نقش مستقیم داشت. براساس این دیدگاه، دولت به مثابه پدیده ای طبیعی و زیستی بهتر قابل درک است تا این که پدیده ای مکانیکی و اجتماعی قلمداد شود. دولت از طریق مؤسسات مختلف کارکردهای مختلفی دارد. کارکردهای مناسب، نشان دهنده صحت تمام بخش های تشکیل دهنده دولت است.^(۳) لبنسروم مورد نظر راتزل، سرزمینی است که پیکره ای ارگانیک دارد. دولت ها در فضای حیاتی همانند گیاه و انسان به تغذیه در قالب گسترش سرزمینی و منابع

1. Lebensraum

2. Friedrich Ratzel

3. Social Darwinism

سرزمینی، ده‌ها سال پیش تر از به قدرت رسیدن هیتلر در آلمان رایج بود و توسط فرهیختگان دانشگاهی همانند کارل هوسهوفر^۱، هالفورد مکیندر^۲، فردریچ راتزل و هانس گریم^۳ (ملت بدون فضا) طرح مسئله و نظریه پردازی شده بود. اما دوره زمانی پیش از جنگ جهانی دوم که هیتلر در آن به نقش آفرینی سیاسی پرداخت، کارکرد مؤثری در عملیاتی کردن جستار فضای حیاتی داشت.

عملیاتی سازی لسنروم با حمله آلمان در یکم سپتامبر ۱۹۳۹ به لهستان آغاز شد. تفاوت اساسی فضای حیاتی مورد نظر هیتلر با لسنروم در گذشته

این بود که فضای حیاتی مورد نظر هیتلر، در اروپای شرقی بود. دیگر آنکه هیتلر مقوله نژاد و خون را نیز به جستار لسنروم افزود که در قالب آن سرزمین‌های اروپای شرقی می‌بایست تأمین‌کننده فضای حیاتی در قالب جمعیت آلمانی و تأمین‌کننده مواد خام و محصولات کشاورزی آن کشور باشند.^(۴)

۲) ژئوپلیتیک

جان رودلف کلین^۵ سوئدی (۱۹۱۶) که به شدت از اندیشه‌های فردریک راتزل متأثر بود در سال ۱۸۹۹ براساس نظریه دولت اندام وار^۶ راتزل، اصطلاح ژئوپلیتیک را ابداع کرد. در نظریات وی آلمان تنها کشوری بود که با توجه به بنیادهای قدرت زای آن، توان تبدیل شدن به قدرت جهانی را دارد. اندیشه‌های کلین پس از جنگ جهانی دوم به شدت مورد استقبال آلمانی‌ها قرار گرفت.

طبیعی، وابسته است زیرا دولت فی نفسه یک اندامواره (ارگانیزم) است.

در ایده دولت ارگانیک، گسترش مرزهای دولت، بازتابی از سلامت و توان توسعه آن ملت است و دولت‌ها همانند جانوران رشد پیدا می‌کنند و در صورت فقدان فضای حیاتی، ناتوان می‌شوند و سرانجام می‌میرند. اندیشه لسنروم (فضای حیاتی) راتزل، مفهوم دولت ارگانیک را رشد داد. راتزل هفت قانون برای رشد دولت مطرح کرد:

۱. فرهنگ فضای دولت متناسب با گسترش جمعیت رشد می‌کند.
۲. رشد سرزمینی، تابعی از دیگر ابعاد توسعه است.
۳. دولت‌ها از طریق جذب (مکیدن) واحدهای کوچک تر رشد می‌کنند
۴. مرز، ارگان (سازمان) پیرامونی دولت و بازتابی از توان و رشد دولت به شما می‌رود؛ از این رو، دائمی نیست.
۵. دولت‌ها در دوره رشدشان از نظر سیاسی به دنبال جذب سرزمین‌های با ارزش هستند.
۶. مقدار حرکت برای رشد دولت اولیه، از تمدن بسیار توسعه یافته فراهم می‌شود.
۷. روند رو به رشد سرزمینی، در مسیر گذار^۱ فراگیر^۲ و فزاینده تأمین می‌شود.^(۳)

دیدگاه جبرگرایانه راتزل، تجاوز دولت‌های قوی به مناطقی که توسط دولت‌های ضعیف کنترل می‌شد را توجیه می‌کرد.^(۴) به طور کلی، راتزل توسعه سرزمینی را به عنوان روشی برای تحصیل فضا معرفی کرد. فضایی که دفاع از نژاد ژرمن و محافظت از نابودی آن، جنگ را برای دستیابی به لسنروم ضرورتی زیستی^۳ و حیاتی می‌دانست. راتزل بر مستعمرات فراسوی دریاها تأکید داشت که آلمانی‌ها باید به آنجا مهاجرت کنند، اما بعدها سیاستمداران نازی به خاطر اهداف سیاسی، آن را به سوی اروپای شرقی منحرف کردند. در اندیشه لسنروم، جنگ مقوله‌ای گریزناپذیر است. بر این اساس، اندیشه فضای حیاتی و توسعه طلبی

1. Tansmission

2. Contagious

3. Biological Necessity

4. Haushofer

5. Sir Halford Mackinder

6. Hans Grimm

7. Johan Rudolf Kjellén

8. Organic State

داشته باشند به دلیل مطرح بودن نقش کمیت در آنها جزء عوامل متغیر به شمار می روند؛ همانند: جمعیت، منابع طبیعی (منابع غذایی و معدنی) و نهادهای سیاسی و اجتماعی.^(۸)

در بسیاری از نظریه های ژئوپلیتیک (سنتی) که با سیاست واقع گرایی همبستگی بالایی نیز داشته اند دولت در جایگاه بازیگر اصلی صحنه روابط بین الملل به منظور تأمین فضای حیاتی ناگزیر از قدرت یابی روزافزون از طریق نفوذ در دیگر قلمروهاست. بر پایه این رویکرد، هر اندازه کشوری پهناورتر باشد قدرت و تمدن آن کشور توسعه بیشتری خواهد داشت.^(۹)

مقوله وسعت، هر دو گستره خشکی و دریا را در بر می گیرد. از این رو، نظریه های ژئوپلیتیک یا دریا محور (آلفرد تایر ماهان^(۱))، یا خشکی محور (سر هالفورد مکیندر^(۲)) و یا هر دو قلمرو را شامل می شوند (نیکولاس اسپایکمن^(۴)).

۳) سیاست خارجی

سیاست خارجی عبارت از خط مشی و روشی است که دولت ها در برخورد با امور و مسایل خارج از کشور برای حفظ حاکمیت و دفاع از موجودیت، تعقیب و تحصیل منافع خود اتخاذ می کنند.^(۱۱) از این رو، شیوه تعامل آنها با کشورهای دیگر را تعیین می کند.^(۱۲) مفهوم قدرت و میل به افزایش آن خصیصه ذاتی هر اقدام سیاست خارجی است.

تاکنون تعاریف مختلفی از واژه ژئوپلیتیک^۱ به عمل آمده است. با این حال، ژئوپلیتیک علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت، سیاست و کنش های ناشی از ترکیب آنها با یکدیگر است.^(۱۳) این روابط و کنش ها تابعی از راهبرد و موقعیت ژئوپلیتیک دولت ها و نیز ساختار نظام ژئوپلیتیک جهانی است. از این رو، همبستگی و هماهنگی بالایی میان ژئوپلیتیک و الگوی رفتار سیاست خارجی دولت ها برقرار است و براساس آن راهبردهای ژئوپلیتیکی طراحی و عملیاتی می شوند تا به ساختار روابط ژئوپلیتیکی جهت و معنا بخشند. عوامل مؤثر در

ژئوپلیتیک، به دو دسته کلی عوامل ثابت و عوامل متغیر تقسیم بندی می شوند. عوامل ثابت در واقع همان پدیده های طبیعی و جغرافیایی همانند موقعیت جغرافیایی، فضا، وسعت، توپوگرافی (شبکه آب ها، مرز، ناهمواری ها و شکل کشور) هستند و عوامل متغیر که ممکن است برخی از آنها نیز منشأ طبیعی

سرنگونی شاه، فرصت
مناسبی را برای تأمین
نیازهای ژئوپلیتیک عراق،
عملیاتی شدن آرمان های
حزب بعث و جاه طلبی های
صدام فراهم کرد

جدول نقش متغیر محیط در تحلیل محتوای سیاست خارجی^(۱۰)

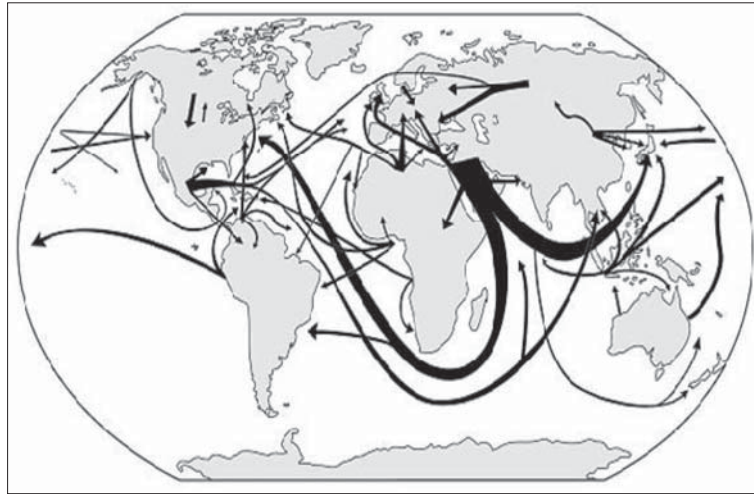
| نسبت محیط (جغرافیا) با سیاست | ماهیت تحلیل | ماهیت تفسیری و یا تبیینی فرضیات |
|--|---|--|
| تأثیر محیط بر ابعاد سیاست خارجی از طریق ادراک | تحلیل سیاست خارجی با توجه ویژه به تأثیر محیط بر سیاست | تفسیر یا تبیین با توجه به تفسیر محیط بر تصمیمات سیاست خارجی در گذشته یا آینده |
| تأثیر محیط عملیاتی بر تصمیمات، نتایج و ابعاد سیاست خارجی | تحلیل محتوا از طریق توجه خاص به تأثیر محیط بر سیاست | تفسیر یا تبیین با توجه به پیامدهای عملیاتی تصمیمات سیاست خارجی در گذشته یا آینده |

1. Geopolitics

2. Alfred Thayer Mahan

3. Sir Halford Mackinder

4. Nicholas John Spykman

جایگاه خلیج فارس در تأمین و انتقال نفت به سراسر جهان^(۶)

عوامل و متغیرهای بسیاری در تعیین و اجرای سیاست نقش دارند که این عوامل تابعی از دو محیط داخلی و بین‌المللی هستند و میزان تأثیرگذاری هر متغیر با توجه به اوضاع و شرایط دولت‌ها متفاوت است.^(۳)

۴) محیط‌شناسی مسئله

گستره جغرافیایی خاورمیانه به واسطه تنوع و تعارض فرهنگی، زبانی، قومی، مذهبی، سرزمینی، اقتصادی، سیاسی، رقابت

قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، و ... از جمله بخش‌های بی‌ثبات و آشفته جهان بوده است. در مباحث ژئوپلیتیک از این گستره با عنوان کمر بند شکننده یاد می‌شود.^(۴) جغرافیای سیاسی آشفته دولت‌ها در این منطقه به راهبرد ژئوپلیتیک آنها جهت می‌دهد؛ از این رو، یکی از مناطق بحران خیز دنیا به شمار می‌رود.

در این میان منطقه خلیج فارس در قلب خاورمیانه با مساحتی بیش از ۲۴۰ هزار کیلومتر مربع از طریق تنگه هرمز و دریای عمان با اقیانوس هند در ارتباط است و نزدیک به ۶۳ درصد از کل ذخایر نفتی و ۳۰ درصد از ذخایر گاز شناخته شده جهان را در خود جای داده است. بیش از ۴۰ درصد از صادرات نفت جهان، از تنگه هرمز می‌گذرد و سالانه حدود ۱۳ هزار شناور از طریق تنگه هرمز به خلیج فارس وارد می‌شوند. وجود ذخایر عظیم نفت و گاز و موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خلیج فارس، موجب شده این منطقه همواره مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار گیرد.^(۵) در منطقه نیز دسترسی کشورهای حاشیه خلیج فارس به منابع و سواحل آن و تنگه هرمز متفاوت است. همچنین به واسطه اختلافات سرزمینی و

تفاوت‌های فرهنگی - فضایی گسترده کشورهای یاد شده، این منطقه به یکی از کانون‌های بحران خیز جهان تبدیل شده است.

در منطقه خلیج فارس هم مسئله اصلی میان ایران و عراق موضوع حاکمیت بر اروندرود است. اروندرود در جنوب غربی ایران و هم مرز با کشور عراق قرار دارد که از پیوستن رودهای دجله، فرات و کارون پدید آمده است. طول بخش مرزی این رودخانه ۸۴ کیلومتر است. دجله و فرات پیش از پیوستن به کارون در شهر قرنه در ۱۱۰ کیلومتری شمال غربی آبادان به هم می‌پیوندند. طول اروندرود از قرنه تا ریزشگاه آن در خلیج فارس ۱۹۰ کیلومتر است. ریزشگاه اروندرود در میان شهر ایرانی اروندکنار و شهر عراقی فاو است که این رود در نهایت در ۸ کیلومتری جنوب اروندکنار به خلیج فارس می‌ریزد.^(۶) عرض این رود بین ۴۰۰ تا ۱۰۰۰ متر و عمق آن تا حدود ۱۸ متر متغیر است. بنادر ایرانی خرمشهر و آبادان و همچنین بزرگ‌ترین بندر عراق یعنی بصره در کناره‌های این رودخانه واقع شده‌اند.

از آنجا که این رود میان دو کشور مشترک است طبق قوانین بین‌المللی هر دو کشور حقوق یکسان

1. Shatter Belt

بحران جدیدی شد که حسن البکر ادعای حاکمیت مطلق عراق بر اروندرود را مطرح کرد و مقامات بعثی اقدام به بازرسی و کنترل اسناد و مدارک کشتی های وارد شده به اروندرود کردند. به دنبال این اقدام، در ۲۶ فروردین ۱۳۴۸ وزارت امور خارجه عراق آب راه اروندرود (شط العرب) را جزء جدایی ناپذیر خاک عراق دانست و از ایران خواست پرچم های خود را از روی کشتی هایی که در اروند حرکت می کند پایین بیاورد. به دنبال این اقدام، دولت ایران در اردیبهشت ۱۳۴۸ عهدنامه مرزی ۱۹۳۷ را ملغی و تمایل خود را به انعقاد قراردادی مبتنی بر خط تالوگ اعلام کرد. این رویداد روابط دو کشور را تا حد برخورد نظامی پیش برد که با میانجیگری هواری بومدین در جریان اجلاس سران اوپک، توافق هایی در این زمینه صورت گرفت. به موجب عهدنامه الجزایر و با پذیرش خط تالوگ به عنوان خط مرزی دو کشور، عملاً حاکمیت ایران بر اروندرود پذیرفته شد. با این حال، پس از این قرارداد به ویژه با فروپاشی نظام شاهنشاهی ایران، رهبران عراق بارها در سخنان خود خواستار برقراری حاکمیت مطلق آن کشور بر اروند رود شدند و اعلام کردند می خواهند به موضع پیش از قرارداد الجزایر برگردند.^(۳۰)

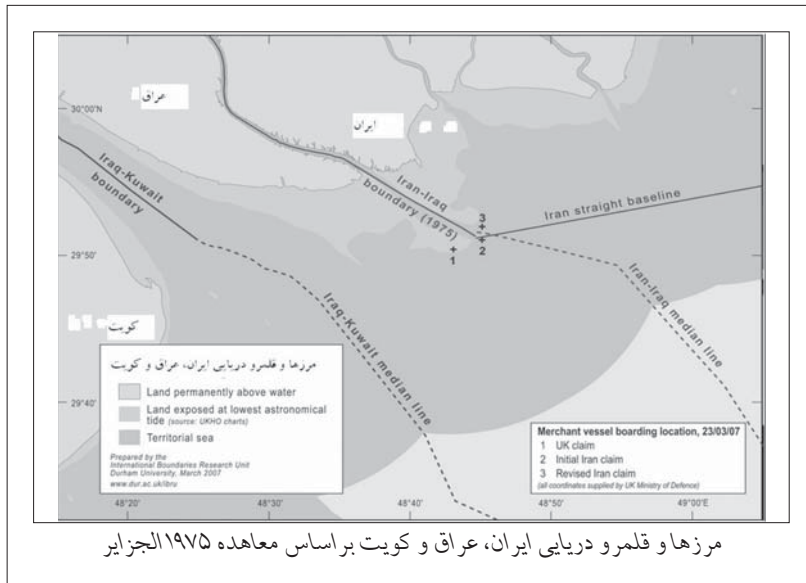
جغرافیای سیاسی عراق

بین النهرین به عنوان بخشی از سرزمین عراق امروزی، منطقه پیدایش و شکوفایی بسیاری از نمودهای درخشان فرهنگی و مدنی بشر و همچنین منطقه هموردی و کشمکش قدرتهای منطقه ای و جهانی، تعارضات دینی و مذهبی، فرهنگی و ... بوده است. سرزمین عراق در سال ۱۵۳۵م پس از شکست قوای ایرانی از سپاهیان عثمانی به تصرف آن امپراتوری درآمد و تا پایان جنگ جهانی اول، به جز سال های (۱۶۲۵-۱۶۳۸) که در تصرف ایران بود، بخشی از عثمانی به شمار میرفت. پس از جنگ جهانی اول، بر پایه معاهده سور در ۱۰ اوت ۱۹۲۰م با فروپاشی

بر رودخانه دارند و نحوه تعیین خط مرز بر رودخانه های مرزی یا به روش خط فرض مقسم المیاه (خط فرض منصف وسط رودخانه) و اگر قابل کشتیرانی باشد مرز مشترک به روش تالوگ است که به معنای خط القعر قابل کشتیرانی در حالت جزر کامل است و این شیوه ای است که با توجه به مشخصات رودخانه اروند بایستی حاکم باشد، اما عراق مدعی مالکیت کامل بر تمامی رودخانه بود و مرز دو کشور را ساحل ایران و نه در امتداد خط تالوگ می دانست که این ادعا نه مبنای حقوقی دارد و نه عملی است. زیرا با این فرض، اروندرود جزء آب های داخلی عراق به شمار می آید که در این حالت حق استفاده ایران برای کشتیرانی، ماهیگیری و برداشت آب از این رودخانه باید با اجازه و تصویب عراق و پرداخت عوارض انجام شود. نزدیک به ۱۳ رودخانه در طول مرز مشترک ۱۶۰۰ کیلومتری ایران و

عراق حالت رودخانه مشترک مرزی دارند که در همه آنها خط منصف به عنوان مرز مشترک پذیرفته شده است. اما عراق این استثناء غیرقانونی را برای اروندرود قائل بوده است.^(۳۱) البته ریشه این ادعای عراق بر می گردد که طبق آن حق کشتیرانی در سراسر اروندرود به استثنای ۵ کیلومتر از آب های آبادان تا خط تالوگ، (با فشار انگلستان) به دولت عراق واگذار شد و مالکیت عراق بر تمام اروندرود گسترش یافت.^(۳۲) با کودتای عبدالکریم قاسم در آذر ۱۳۳۸ اروندرود به بحرانی حاد در روابط ایران و عراق مبدل شد. روابط دو کشور در شرایطی وارد

تصرف خوزستان،
افزون بر حل تنگنای
ژئوپلیتیک عراق در دسترسی
به خلیج فارس، مخازن و
منابع سرشار نفت ایران را در
اختیار عراق قرار می داد



امپراتوری عثمانی و تجزیه آن به دست متفقین، عراق کنونی مرکب از ۳ ولایت موصل در شمال (کردستان)، بغداد در مرکز (منطبق بر بخش سنینشین کشور) و بصره (بخش شیعه نشین و اکثریت) در جنوب تشکیل شد و تحت قیمومیت انگلستان قرار گرفت. دوازده سال بعد یعنی در سال ۱۹۳۲م قیمومیت انگلستان پایان یافت و عراق رسماً به استقلال

عدم مشارکت سیاسی، نبود سابقه ای از تساهل و مدارا، خودکامگی نظام های سیاسی، سرکوبی مخالفان، شورش های داخلی و ... از جمله معضلات دولت در این کشور بوده اند که به جغرافیای سیاسی و در نهایت راهبرد ژئوپلیتیک عراق جهت و معنا داده اند. از سوی دیگر، عراق وارث یکی از چالش برانگیزترین کرانه ها از نظر وسعت و ناکارآمدی در شمال باختری خلیج فارس بوده است.

۱. کرانه های دریایی عراق

طول کرانه دریایی عراق در خلیج فارس حدود ۵۸ کیلومتر است^(۱) که در فاصله خور عبدا... (مرز مشترک عراق با کویت) و جزیره آبادان قرار می گیرد. با احتساب طول آب راه خور عبدا...، عراق حداکثر ۸۰ کیلومتر در خلیج فارس ساحل دارد. بصره، ام القصر و فاو سه بندر معروف آن در خلیج فارس و دهانه اروندرود هستند که به علت عمق کم و باتلاقی بودن برای نفتکش ها قابل استفاده نیست.

همین مسئله یکی از چالش های ژئوپلیتیک عراق از نظر اقتصادی، ارتباطی، نظامی و راهبردی

رسید. تا آغاز جنگ جهانی دوم، عراق در ظاهر مستقل بود اما در واقع زیر نفوذ انگلستان قرار داشت. در سال ۱۹۴۱م رشید عالی گیلانی با کودتا زمام قدرت را در عراق به دست گرفت اما نتوانست در برابر هجوم سربازان انگلیسی مقاومت کند. تا سال ۱۹۵۸ خاندان هاشمی در عراق حکومت کردند. سرانجام در همان سال، رژیم پادشاهی عراق به دنبال کودتای عبدالکریم قاسم سرنگون و رسماً در این کشور رژیم جمهوری اعلام شد. چند سال بعد، حزب بعث این کشور علیه قاسم کودتا کرد و زمام امور را به دست گرفت.

از آنجا که اصل شکل گیری عراق عمدتاً ریشه در فروپاشی امپراتوری عثمانی و منافع قدرت های فرامنطقه ای (انگلستان و فرانسه) داشت؛ نیروی نظامی، رویکرد سخت افزاری و اندیشه نظامی محور، در سازماندهی سیاسی فضا و راهبردهای ژئوپلیتیک نقش اصلی را داشت. به طوری که از زمان قدرت گیری حزب بعث تا به امروز (۱۳۸۹)، عراق چند سال متوالی آرامش داخلی و صلح با همسایگان را تجربه نکرده است. ناهمگونی جمعیت از منظر زبانی، فرهنگی، دینی و مذهبی،

جمهور عراق، برگزار شد که نتیجه آن صدور اعلامیه الجزیره بود. مفاد اعلامیه و معاهده الجزایر به شرح زیر است:

۱. طرفین مرزهای زمینی خود را براساس پروتکل اسلامبول ۱۹۱۳ و صورت جلسات ۱۹۱۴ تعیین می کنند.

۲. دو کشور مرزهای آبی خود را بر اساس خط تالوگ^۱ تعیین خواهند کرد.

۳. طرفین متعهد می شوند بر مرزهای خود کنترل دقیق و مؤثری به منظور قطع هرگونه رخنه و نفوذ خرابکارانه، اعمال کنند.

۴. مقررات فوق عوامل تجزیه ناپذیری برای یک راهحل کلی بوده، در نتیجه نقض هر یک از مفاد فوق با روحیه توافق الجزیره مغایر است.^(۳۳)

فشار کردهای شمال عراق بر حکومت این کشور از یک طرف و حمایت غرب از محمد رضا شاه که به تقویت قدرت نظامی ایران منجر شده بود موجب شد که صدام در پی کاهش تنش با ایران برآید. وزرات خارجه عراق مفاد اولیه قرارداد ۱۹۷۵ را تهیه و با میانجی گری الجزایر با ایران به توافق رسید. برای اجرای اعلامیه الجزایر، وزرای امور خارجه ایران، عراق و الجزایر از تاریخ ۱۵ مارس تا ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵، به ترتیب در تهران، بغداد، الجزیره و بغداد گرد هم آمدند.

آنچه به عنوان قرارداد ۱۹۷۵ مشهور است، نتیجه این چهار نشست و امضای عهدنامه مربوط به مرز مشترک و حسن هم جواری بین ایران و عراق در ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵ است. براساس این قرارداد دو کشور توافق کردند مرزهای آبی خود را بر اساس خط تالوگ تعیین کنند و در مرزها نیز کنترل دقیق و مؤثری به منظور رفع هر گونه نفوذ خرابکارانه داشته باشند.

این عهدنامه دارای سه پروتکل ضمیمه و یک الحاقیه است. محوریت پروتکل ها درباره علامت گذاری مجدد سرزمینی، تعیین مرز در رودخانه ها و امنیت در مرز ایران و عراق بود. الحاقیه

بوده است. این موضوع بر رفتار سیاسی - نظامی این کشور تاثیر گذاشته و بازدارنده جدی بازیگری آن در این منطقه ژئوپلیتیک بوده و چاره جویی برای تنگنای ناشی از کمبود فضای آبی و ساحلی را به صورت هدفی آرمانی برای آن کشور درآورده است.^(۳۴) زمامداران توسعه طلب عراق گسترش خط ساحلی و دسترسی مناسب به آب های ساحلی خلیج فارس را از اهداف راهبردی این کشور طرح کرده و راه برون رفت از این تنگنای ژئوپلیتیک را الحاق خوزستان ایران به عراق، حاکمیت انحصاری بر اروندرود، در اختیار داشتن کویت یا دست کم حاکمیت بر دو جزیره کویتی وربه و بویان امکان پذیر می دیدند.

دسترسی آسان و گسترده به آب های آزاد خلیج فارس، در مقام فضای حیاتی و آرمان نظام های سیاسی به ویژه ایدئولوژیک این کشور عمل کرده و به رفتار سیاسی عراق جهت و معنا داده است. این وضعیت باعث شده تحدید حدود مرزهای دریایی در شمال خلیج فارس که به همکاری و تفاهم ایران، عراق و کویت نیاز دارد هرگز عملی نشود. زیرا عراق به دلیل وضعیت نامساعد کرانه ای انگیزهای برای حل مسئله ندارد و منافع خود را در عدم حل و فصل آن ارزیابی می کند. وضعیتی که همچنان دستاویزی برای تنش و مشاجرات در سالهای آینده خواهد بود.^(۳۵) با این حال، در دهه ۱۹۷۰ که ایران با حمایت غرب ژاندارم منطقه بود، عراق مجبور شد براساس معاهده ۱۹۷۵ الجزایر، حاکمیت ایران بر بخش باختری اروندرود را بپذیرد. هر چند که ۵ سال بعد در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، با تهاجم نظامی به ایران، طولانی ترین جنگ سده بیستم (۸ سال) را رقم زد.

۲. عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر

در جریان کنفرانس سران کشورهای عضو اوپک که از ۱۳ تا ۱۵ اسفند ۱۳۵۳ در الجزایر تشکیل شد با میانجیگری هواری بومدین، رئیسجمهور الجزایر، ملاقاتی میان شاه ایران و صدام، معاون رئیس -

۱. خط ممتد ژرفای دره یا رودخانه. خطی که عمیق ترین نقاط یک دره را به هم وصل می کند یا از اتصال این نقاط حاصل می شود و از سرچشمه تا مصب رود از بالای دره تا پایین آن به صورت خط ممتدی ادامه دارد. این خط معادل با نیمرخ طولی دره رود است.

عمل گرا بود. سیاست خارجی دولت عراق برای دستیابی به اهداف زیر با پیروی از قاعده عمل گرای در طول حاکمیت حزب بعث جهت گیری شد:

(۱) ایجاد امنیت در برابر ایران و منطقه (از نظر مالی و سیاسی)،

(۲) ایجاد برتری عراق نسبت به دیگر کشورهای منطقه و به طور کلی تسلط بر جهان عرب یا رهبری جهان عرب،

(۳) تبدیل شدن به قدرت برتر منطقه.^(۲۷)

دستیابی به هر یک از این اهداف، نیازمند ابزار و شرایطی بود که جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک عراق

اجازه آن را نمی داد. به

عبارتی، فضای سرزمینی

عراق اجازه عملی شدن

چنین برنامه‌ها و

خواسته‌هایی را نمی‌داد

مگر آن که بر تنگناهای

ژئواستراتژیک‌اش در

دسترسی آسان به

آب‌های آزاد خلیج

فارس چیره شود. تجربه

نشان داده در کشورهایی

که رژیم خودکامه دارند

نقشش فرود و

شخصیت‌های دیکتاتور

در بروز تحولات ملی بسیار مؤثر است. بر این اساس، عمل گرای حزب بعث نمی‌توانست از آرزوها و مطالبات شخص صدام به دور باشد.

صدام در آغاز تجاوز به ایران سه انگیزه عمده شخصی داشت و امیدوار بود با پیروزی سریع بر ایران خواسته‌های جاه طلبانه‌اش را برآورده کند. نخستین انگیزه وی، کسب رهبری جهان عرب بود. به دنبال مرگ جمال عبدالناصر و امضای پیمان کمپ دیوید و انزوای مصر، جهان عرب دچار خلأ رهبری شده بود و به شدت نیازمند شخصیتی بود که بتواند با بهره‌گیری از امکانات و توانایی‌های کشور خود در جهت آرمان

این قرارداد مربوط به بند ۵ ماده ۶ عهدنامه است. هم چنین عهدنامه ۱۹۷۵، ۴ موافقتنامه تکمیلی نیز دارد که در ۲۶ دسامبر ۱۹۷۵، در بغداد به امضا رسید. این موافقت نامه‌ها درباره مقررات مربوط به کشتیرانی در اروندرود، استفاده از آب رودخانه‌های مرزی، تعلیف احشام و کلانتران مرزی است. عهدنامه یادشده در قالب سه پروتکل و چهار موافقت نامه تکمیلی به تصویب قوه مقننه هر دو کشور^۲ رسیده‌است.^(۲۵)

۳. حزب بعث

حزب البعث العربی الاشتراکی که عمدتاً به نام حزب بعث عراق معروف است با کودتای سال ۱۳۴۷ (۱۹۶۸م) به قدرت رسید. مبانی نظری این حزب بر پان عربیسم، نوسازی اقتصادی و سوسیالیسم استوار بود. شعار «امه عربیه واحده، ذاته رساله خالده» یک امت عرب با یک رسالت تاریخی جاویدان، آرمان رژیم بعث به شمار می‌رفت که به عملکرد داخلی و خارجی این رژیم جهت میداد. مرانامه حزب بعث عراق، به حزب این اختیار را می‌دهد که برای تغییر اوضاع نامناسب جهان عرب وارد نبرد شود. براساس چنین بینشی، رژیم بعث عراق از همان آغاز، سیاست توسعه طلبانه را اساس سیاست خارجی خود قرار داد.^(۲۶)

با این حال، مهم‌ترین عاملی که در روند قدرت‌یابی و تقویت حزب بعث مؤثر واقع شد نه ایدئولوژی بعث، بلکه شعارها و سیاست‌هایی همچون استبداد و خشونت در داخل بود که در جامعه اتخاذ می‌کرد. گرایش‌های متناقض دولت عراق در طول سال‌های حاکمیت حزب بعث موید این نظر است که این حزب نه تنها ایدئولوژی خاصی نداشت بلکه هدف اصلی آن کسب قدرت به هر شیوه ممکن بود. در صحنه بین‌المللی نیز حزب بعث رفتار عمل‌گرایانه داشت و شرایط و مناسبات منطقه‌ای و جهانی به سیاست خارجی حزب بعث جهت می‌داد. به عبارت دیگر، حزب بعث، سازمانی

۱. بنا بر ماده پنج این عهدنامه: «مرزهای زمینی و رودخانه‌ای که درباره آنها توافق شده است؛ غیر قابل تغییر، دائمی و قطعی است.

۲. عهدنامه الجزایر در ایران در جلسه تاریخ روز چهارشنبه بیست و نهم اردیبهشت ماه دو هزار و پانصد و سی و پنج به تصویب مجلس سنا رسید.

**نظریه لب‌سروم یا فضای
حیاتی ناظر بر وضعیتی است
که دولت‌ها با توجه به
تعریفی که از وضعیت
موجود و وضعیت مطلوب
دارند به تدوین استراتژی
ژئوپلیتیک می‌پردازند**

داخلی ایجاد شده بود و به هیچ وجه آمادگی شرکت در یک جنگ کلاسیک و مدرن را نداشت. سوم، درگیری های قومی و محلی در نواحی مختلف کشور، نیروهای مسلح ایران را به خود مشغول کرده بود.

تهاجم عراق

عوامل مختلفی در رخداد جنگ ایران و عراق مؤثر بوده اند. اختلافات تاریخی ایران و عراق، توسعه طلبی های ارضی و سیاسی حکومت عراق، اختلافات ایدئولوژیکی بین نظام های سیاسی دو کشور، برهم خوردن نظم منطقه ای و جهانی و رویکرد نظام بین الملل به تحولات منطقه خلیج فارس یا تنگنای ژئوپلیتیک عراق تنها می تواند بخشی از علت ها باشد.^(۲۹)

بروز پدیده جنگ را باید در علت ها و رخداد های دور دست و پایدار پی گرفت. از این رو، موضع گیری ها و بحران های نزدیک به زمان وقوع جنگ، زمینه و بهانه ای بیش نیستند. پیش از بروز هر جنگ، فرایندی از مذاکره، تطمیع، تهدید برای رسیدن به مطلوب طی می شود. هر کدام از این حلقه ها تابعی از ارزیابی توان رقیب خواهند بود. از اینرو، نوع و شدت موضع گیری ها با نوعی شناوری و سیالیت، توأم است. از آنجا که عوامل جغرافیایی از ثبات و ماندگاری بیشتری برخوردار هستند و رخدادها و دگرگونی های سیاسی، ماهیتی گذرا دارند، نویسنده علت اساسی لغو معاهده ۱۹۷۵ الجزایر و تهاجم عراق را تنگنای ژئوپلیتیکی این کشور ارزیابی می کند. محدودیتی که همیشه مراودات آزاد دریایی عراق را به وجود مناسبات دوستانه با ایران منوط می کند. در واقع، عدم دسترسی عراق به دریا و اهمیت ارونرود برای تسهیل دسترسی این کشور به آب های خلیج فارس، وضعیت در روابط دو کشور ایجاد کرده که جدا از نوع حکومتی که بر عراق حاکم است به احتمال قوی درباره ارونرود و میزان تسلط هر یک از دو کشور بر این آب راه اختلافاتی بروز خواهد کرد. هر چند براساس عهدنامه الجزایر، رهبران دو

وحدت جهان عرب و جبران تحقیر اعراب در برابر اسرائیل این خلأ را پر کند. صدام انتظار داشت با پیروزی در جنگ با ایران چنین جایگاهی را کسب کند. به همین دلیل این جنگ را جنگ قادسیه نامید تا یادآور شکست ایرانیان از اعراب مسلمان در اوایل ظهور اسلام باشد. انگیزه دوم صدام، استفاده از شرایط به وجود آمده پس از سرنگونی شاه ایران، برای کسب نقش ژاندارمی منطقه بود. انگیزه سوم وی، جبران تحقیری بود که شخصاً در امضای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر متحمل شده بود. صدام همواره احساس می کرد در این جریان تحقیر شده و به اجبار تن به امضاء این قرارداد داده است؛ بنابراین مترصد فرصت مناسبی بود تا بتواند این احساس حقارت را جبران کند.^(۳۰) سرنگونی شاه، فرصت مناسبی را برای تأمین نیازهای ژئوپلیتیک عراق، عملیاتی شدن آرمان های حزب بعث و جاه طلبی های صدام فراهم کرد. پس از پیروزی انقلاب و پیش

در تهاجم عراق به ایران
تنگنای ژئواستراتژیک این
کشور در عدم دسترسی به
آب های آزاد، نقش محوری
در سیاست تهاجمی
صدام داشت

از آغاز تجاوز نظامی عراق، اوضاع داخلی ایران در سه زمینه برای یک رژیم متجاوز، به شدت وسوسه کننده بود: نخست این که دولت انقلابی ایران هنوز دوران ناآرامی و جنگ قدرت پس از انقلاب را پشت سر می گذاشت. دوم، نیروهای مسلح کشور به دلایل متعدد از انسجام و آمادگی لازم برای مقابله با یک جنگ خارجی سراسری به دور بودند. سازمان و انتظام ارتش، پس از انقلاب به شدت دچار آشفتگی و نابسامانی بود و از نظر تجهیزاتی، تحریم تسلیحاتی آمریکا و خروج کارشناسان نظامی آن کشور از ایران، با مشکلات عدیده ای مواجه بود. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز بیشتر برای مواجهه با ضد انقلاب

مزیت های تصرف خوزستان

محدودیت عراق در دسترسی به آب های آزاد، گستره مانور این کشور را از منظر نظامی، اقتصادی در خلیج فارس محدود می کرد. همان گونه که بیشتر اشاره شد، زمامداران این کشور برای گریز از این چالش ژئوپلیتیک، چند گزینه را پیش روی خود داشتند:

(۱) حاکمیت بر خوزستان؛

(۲) حاکمیت انحصاری بر آب های اروندرود؛ و

(۳) در اختیار داشتن کویت یا حداقل دو جزیره وره و بویان.^(۳۳)

وجود اقلیت عرب خوزستان از همان آغاز پیدایش کشور عراق، این استان را در کانون توجه و مداخلات زمامداران بغداد قرار داد. به طوری که روابط گسترده عراق با گروهک ها و شیوخ قبایل عرب استان، در استراتژی ژئوپلیتیکی این کشور جایگاه ویژه ای یافت. عراق تلاش می کرد با القاء آموزه های پان عربیسم و جذب نواحی

به نظر می رسد تا زمانی که عراق در چالش و تنگنای ژئوپلیتیک قرار دارد این بخش از ایران همواره در مناسبات دو کشور موضوع تنش های آینده خواهد بود

عرب نشین، موجبات جدایی خوزستان را فراهم کند. چنین پنداری موجب شد در مرحله اشغال، زمامداران عراق به همراهی و کمک اقلیت عرب استان جایگاه ویژه ای قائل شوند. به باور آنان این همراهی سبب می شد اشغال خوزستان رنگ آزادسازی به خود بگیرد. از سوی دیگر، خوزستان به عنوان کانون اقتصادی و نفتی، داشتن بنادر آبادان، خرمشهر (با دسترسی به رود بهمن شیر)، ماهشهر، امام خمینی (ره)، و وجود رودهای کارون، کرخه، دز، هندیجان، جراحی، مارون و اروند، که عموماً از پرآب ترین رودهای ایران هستند، و زمین های کشاورزی حاصل خیز آن، از اهمیت ژئوپلیتیک

کشور توافق کردند اختلافات دو کشور در مورد مرزهای زمینی، آبی (شطالعرب) و امنیتی را بدون تفکیک از هم به صورت یکجا حل کنند. بنا بر ماده پنج این عهدنامه: «مرزهای زمینی و رودخانه ای که درباره آنها توافق شده است؛ غیرقابل تغییر، دائمی و قطعی است. پس از امضاء عهدنامه، عملیات اجرایی آن آغاز شد و پروتکل تعیین مرز رودخانه ای و امنیت مرزها به اجرا درآمد به ویژه بعد امنیتی آن، که برای عراقی ها به واسطه ناآرامی های کردستان از اهمیت بیشتری برخوردار بود. ایران اجرای پروتکل علامتگذاری مجدد مرز زمینی را به اداره مهندسی ارتش عراق واگذار کرد. با نصب هر میله صورت جلسه آن به امضاء نماینده ایران، عراق و الجزایر می رسید. با پیروزی انقلاب اسلامی روند اجرایی پروتکل یاد شده متوقف شد.^(۳۴)

تحولات پس از انقلاب ایران به همراه انزوای سیاسی این کشور، «فرصت مناسبی» برای عراق ایجاد کرد تا به آرزوی دیرینه خود دست یازد و با اشغال خوزستان و اروندرود و با کسب وجهه سیاسی در منطقه و جهان از طریق رویارویی با انقلاب ایران به قدرت برتر منطقه تبدیل شود و رهبری جهان عرب را به دست گیرد. چاپ نقشه هایی از عراق که خوزستان ایران نیز به آن منضم شده گواه آشکار بر اهداف عراق در حمله به ایران در شهریور ۱۳۵۹ است.^(۳۵) به طور کلی، توانمندی های عراق در کنار ضعف های سیاسی و ژئوپلیتیک آن و تلاقی اهداف این کشور با ایالات متحده در برخورد با انقلاب اسلامی مجموعاً اوضاعی را به وجود آورد که بروز جنگ را حتمی می ساخت. عراق با استفاده از این موقعیت در تلاش برای جبران ضعف های گذشته و عملی ساختن اهداف خود بر آمد.^(۳۶) از این رو، وزارت امور خارجه عراق در ۱۳۵۹/۶/۲۶ طی یادداشتی، قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را لغو و صدام با ادعای حاکمیت مطلق عراق بر اروندرود (شط العرب)، آن را در برابر دوربین های تلویزیونی پاره کرد و در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ با حملات هوایی و زمینی ارتش عراق به خاک ایران، جنگ تحمیلی ۸ ساله علیه جمهوری اسلامی را آغاز کرد.

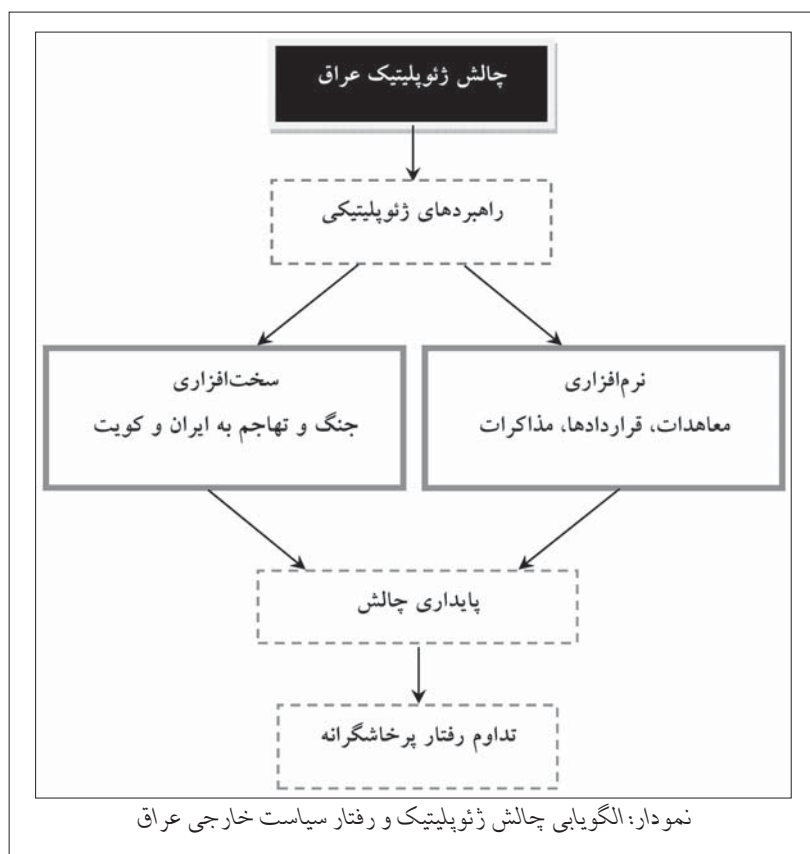
کشور در عدم دسترسی به آب های آزاد نقش محوری در سیاست تهاجمی این کشور در دوران صدام داشت؛ از این رو، به نظر می رسد عوامل دیگر عمدتاً زمینه ساز و تسهیل کننده بوده اند. به عبارتی، حزب بعث عراق فضای حیاتی این کشور را در دسترسی آسان به آب های آزاد از طریق اروندرود، خوزستان و کویت تشخیص داده بود. وضعیت نابسامان ایران پس از انقلاب فرصت بی نظیری را فراروی حاکمان بغداد قرار داد تا خواسته ها و آرمان های ملی و حزبی خود را عملیاتی کنند. به نظر می رسد تا زمانی که عراق در چالش و تنگنای ژئوپلیتیک قرار دارد این بخش از ایران همواره در مناسبات دو کشور موضوع تنش های آینده خواهد بود. بر این اساس رفتار سیاست خارجی عراق از الگوی زیر تبعیت می کند.

بسیار بالایی برخوردار بود. تصرف خوزستان، افزون بر حل تنگنای ژئوپلیتیک عراق در دسترسی به خلیج فارس، مخازن و منابع سرشار نفت ایران را در اختیار عراق قرار می داد.^(۳۴) از همین رو نوک پیکان حملات عراق متوجه تصرف استان خوزستان شد.

نتیجه گیری

تلاش برای تقویت قدرت ملی و توان اثرگذاری در مناسبات فراملی، به سیاست خارجی بسیاری از دولت ها جهت می دهد. قدرت ملی کشورها، ارتباط مستقیمی با عوامل و متغیرهای ژئوپلیتیک داشته است. در این میان سطح و عمق برخورداری یا عدم برخورداری از وسعت، موقعیت، منابع و ... فرصت ها یا محدودیت هایی را فراروی دولت ها قرار داده است. نظریه لسنروم یا فضایی حیاتی ناظر

بر وضعیتی است که دولت ها با توجه به تعریفی که از وضعیت موجود و وضعیت مطلوب دارند به تدوین استراتژی ژئوپلیتیک می پردازند که عموماً نیز با خشونت، جنگ و تصرف سرزمینی همراه است. ایده فضای حیاتی، صدها سال است که در ذهن حاکمان وجود داشته اما نظریه پردازی آن در آلمان صورت گرفت. وضعیت نابسامان آلمان پس از جنگ جهانی اول، زمینه ساز تقویت اندیشه و عملیاتی شدن جستار فضای حیاتی توسط این کشور شد که نتایج ویرانگری در مقیاس جهانی در پی داشت. درباره تهاجم عراق به ایران نیز تنگنای ژئواستراتژیک این



یادداشت‌ها

- پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳، ص ۱۵.
۱۵. حمید پیشگاه هادیان، مناسبات جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی و عراق پس از ۱۱ سپتامبر، تهران: معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۸، ص ۵.
16. Amir Sajedi, (2009), "Geopolitics of The Persian Gulf Security: IRAN AND THE UNITED STATES", *Ipr Journal IX*, no.2 (summer): 77-89.
۱۷. روزبه پارساپور، ارون رود یادگاری از هزاران سال تمدن کهن ایران زمین، کانون پژوهش‌های خلیج فارس، برگرفته از: www.persiangulfstudies.com/userfiles/image/PDFlog_o.jpg&imgrefurl.1389/4/26.
۱۸. پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، برگرفته از: <http://www.rasekhoon.net/Article/Show-22263.aspx>.
۱۹. حسین اردستانی، جنگ عراق و ایران رویارویی استراتژی‌ها، تهران: دوره عالی جنگ دانشکده فرماندهی و ستاد، ۱۳۸۷، ص ۷۱.
۲۰. جعفر ولدانی، اهداف عراق از تجاوز به ایران؛ مجموعه مقالات بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، چاپ اول، جلد دوم، تهران: دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، ۱۳۶۸، ص ۶۳.
۲۱. بیژن اسدی، خلیج فارس و مسائل آن، تهران: سمت، ۱۳۸۱، ص ۲۳۳.
۲۲. محمدرضا حافظ‌نیا، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، تهران: سمت، ۱۳۸۴، ص ۲۵۷.
۲۳. یداله کریمی‌پور، مقدمه‌ای بر روابط ایران و همسایگان، تهران: جهاد دانشگاهی تربیت معلم، ۱۳۷۹، ص ۴۱.
۲۴. اسماعیل منصوری لاریجانی، تاریخ دفاع مقدس، قم: خادم الرضا، ۱۳۸۲، ص ۱۹.
۲۵. علیرضا رضایی، زمینه‌های انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره و تأثیر آن بر موقعیت کردهای عراق، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی به راهنمایی علی بیگلری، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴، ص ۵۵.
۲۶. اصغر جعفری ولدانی، «بررسی عهدنامه ۱۹۷۵ ایران و عراق»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۴۷، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۸، صص ۴۰-۴۵.
۲۷. سعید شمس‌الدین آرنی، حزب بعث عراق و نقش آن در تحولات سیاسی آن کشور، پایان‌نامه کارشناسی ارشد،
1. <http://wordnetweb.princeton.edu/perl/webwn?s=lebensraum.2010/5/10>.
2. Lebensraum definition. From: <http://www.yourdictionary.com/lebensraum> .2010/5/5.
3. Jones, Greta, **Social Darwinism and English Thought: organic theory of the state.** (1980) (Brighton, from: <http://www.politicsprofessor.com/politicaltheories/organic-theory-of-the-state.php>).
4. Peter, marike, **Geopolitics from European Supremacy to Western Hegemony**, 2006.p4.from: <http://socgeo.ruhosting.nl/html/files/geoapp/Werks-tukken/Geopolitics.PDF>.
5. Vallecera, Virgil B: **A Paper on Friedrich Ratzel's Organic State Theory.**, August (2008) .from: <http://polscicity.blogspot.com/2008/08/paper-on-friedrich-ratzels-organic.html>.
6. Clarke, David and Marcus, "Doel: Holocaust topologies: singularity, politics": **Political Geography**. Volume 15, Issues 6-7, July-September 1996, pp 457-489.
۷. محمدرضا حافظ‌نیا، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، تهران: انتشارات پاپلی، ۱۳۸۵، ص ۳۷.
۸. عزت‌الله عزتی، ژئوپلیتیک، تهران: سمت، ۱۳۸۶، ص ۷۵.
۹. همان، ص ۸.
10. Shahram Chubin and Charles Tripp, **Iran and Iraq at War**, Colorado, Westview Press, 1991, pp. 14-15.
۱۱. جواد منصوری، نظری به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۵، ص ۱۱.
12. Mahabir Raghunath, **what is Foreign policy definition?** From: http://wiki.answers.com/Q/What_is_Foreign_policy_definition 2010/4/11.
۱۳. عبدالعلی قوام، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: سمت، ۱۳۸۰، ص ۱۳۱.
۱۴. محمود سریع‌القلم، مقدمه‌ای بر کتاب لی. نور. جی. مارتین، چهره جدید امنیت در خاورمیانه، ترجمه: قدیر نصری، تهران:

- معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق(ع)، استاد راهنما: داود باوند، استاد مشاور: عبدالعلی بیگلری، صدرالدین قیانچی، ۱۳۸۶، ص ۶۵.
۲۸. منوچهر محمدی، «علل و عوامل جنگ تحمیلی: یک بررسی همه جانبه»، مجموعه مقالات جنگ تحمیلی، تهران: انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد، ۱۳۷۳، ص ۱۸.
۲۹. فرهاد درویشی، جنگ ایران و عراق: پرسش‌ها و پاسخ‌ها، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۳۳.
۳۰. سید کاظم سجادی‌پور و رضا امیری مقدم، «نقش سازوکارهای حقوقی در حل و فصل منازعات ژئوپلیتیکی: مطالعه موردی: عهدنامه مرزی و حسن همجواری ۱۹۷۵ الجزایر»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال پنجم، شماره دوم، ۱۳۸۸، ص ۲۰.
۳۱. غلامعلی رشید، تأثیر عوامل ژئوپلیتیک در راهبردهای دفاعی ایران در برابر عراق، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۲۶.
۳۲. غلامرضا ثانی نژاد، ریشه‌های تهاجم عراق به ایران، مجموعه مقالات جنگ تحمیلی، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد، ۱۳۷۳، ص ۲۱۷.
۳۳. علی اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۵۷.
۳۴. حسین حسینی، «بررسی علل وقوع جنگ ایران و عراق»، مجموعه مقالات تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق: ریشه‌های تهاجم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۳۴.